

سفال و سفالگری در ایران

از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر

سیف‌الله کامبخش فرد



کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۰۸ -

سفال و سفالگری در ایران: از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر / سیف‌الله
کامبخش فرد. - تهران: فنوس، ۱۳۷۹.

۵۳۶، [۲۲] ح. تصویر: مصور، نقشه، جدول، نمونه. ISBN: 964-311-154-7
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه.

۱. سفالگری - ایران - تاریخ. ۲. سفال ایرانی. ۳. سفال باستانی - ایران. ۴. ایران -
حفاری‌ها (باستان‌شناسی). الف. عنوان.

۷۳۸/۰۹۵۵

۷ س ۲ ک / NK ۳۸۲۵

۱۰۷۰۰-۷۹م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمری

شماره ۱۰۷، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

سفال و سفالگری در ایران
از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر

سیف‌الله کامبخش فرد

چاپ چهارم

۱۰۰۰ نسخه

۱۳۸۹

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۰ - ۱۵۴ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 154 - 0

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۱۴۰۰۰ تومان

فهرست

- مقدمه ۹
۱. دوره نوسنگی ۱۹
- لایه دوم سیلک ۳۰
- سفال لایه دوم سیلک (چشمه علی) ۳۱
- مشخصه سفال چشمه علی ۳۵
- نتایج گاهشماری و تولید اولین سفال‌های دوران نوسنگی ۴۱
- لایه نگاری سفالینه‌های اوخرایی تپه موشه لان اسماعیل آباد بر حسب طبقه بندی کاوشگران ۴۳
- دو لایه سفال اوخرایی و نخودی رنگ منقوش در تپه موشه لان اسماعیل آباد و ایقربولاغ ۴۴
- فرهنگ سفال نخودی رنگ منقوش (حاشیه فلات مرکزی و جنوب و جنوب غربی ایران) ۴۷
- سوابق هنر نقاشی روی سفال در عهد نوسنگی و قبل از تاریخ ۸۴
- سفالگری و صنعت تولید سفال در دوره نوسنگی و قبل از تاریخ ۸۷
- شرح کوره‌های سفالیزی چغامیش و یاریم تپه به صورت مختصر ۹۳
- منابع فصل اول ۹۹
۲. سفال در آغاز شهرنشینی ۱۰۵
- سفال منقوش جنوب و جنوب شرقی ایران ۱۰۶
- لایه چهارم فرهنگ سیلک (اوروک IV و جمدت نصر)، لایه‌های ۱ و ۲ ۱۱۹
- لایه دوم سیلک چهارم: «گل نبشته‌های پیش ایلامی» ۱۲۱
- اختصاصات سفال دوره چهارم سیلک ۱۲۲
- منابع فصل دوم ۱۲۵
۳. پدیده فرهنگی سفال خاکستری - سیاه با پوسته درخشان (سپیده دم تاریخ) ۱۳۷
- مشخصه سفال خاکستری - سیاه از نظر ترکیب و اندام‌شناسی ۱۴۲
- گاهنگاری و طبقه بندی سفال از اوایل عصر آهن I تا پایان دوره آهن III ۱۴۷

- پدیده فرهنگی سفال خاکستری - سیاه دوره آهن I (قیطریه) ۱۴۹
۱. ظروف پایه بلند: ترکیبات و توصیفات ۱۴۹
۲. جام‌های پایه‌دار ۱۵۲
۳. سه پایه‌ها ۱۵۵
۴. قوری‌های مسیک لوله‌دار ۱۵۹
۵. ساغرهای پایه دکمه‌ای ۱۶۶
۶. کوزه‌های مسافر ۱۷۱
۷. تنگ‌هایی با اندام افراشته ۱۷۴
۸. کوزه‌های کروی شکل ۱۸۰
۹. سفالینه‌های شیرمک کودکان ۱۸۵
۱۰. پیاله‌های بزکوهی ۱۸۸
۱۱. ظروف پیمانه‌ای ۱۹۰
۱۲. دیزی‌های سفالین ۱۹۴
۱۳. قوری‌های دسته زنبیلی ۱۹۹
۱۴. سرمه‌دان‌ها ۲۰۲
۱۵. ساغر‌ها ۲۰۵
۱۶. کوزه‌های سفالین ۲۰۸
۱۷. فنجان‌های سفالین ۲۱۰
۱۸. لیوان‌های سفالین ۲۱۵
۱۹. لاوک و قدح سفالین ۲۱۷
- منابع فصل سوم ۲۳۳
۴. دومین مرحله شهرنشینی در ایران ۲۳۵
- ساختمان دژ و کهن‌دژ ۲۳۵
- طبقه‌بندی سفال در عصر دژنشینی و منازعات مادی - اورارتوئی - آشوری (دوره آهن II) ۲۴۱
- سفال منقوش دوره آهن II (۹۰۰ تا ۸۰۰ ق. م) ۲۴۳
- دژ و گورستان ب سلیک (دوره VI) ۲۴۳
- سفال حسنلو V و IV (دوره آهن I و II) ۲۴۸
- تقسیم‌بندی سفال و خمیره آن در حسنلو ۲۵۰
- سفال دوره آ گیان نهبوند ۲۵۳
- پدیده سفال خاکستری - سیاه یا پوشش‌های (اسلیپ) رنگی ۲۵۵
- املش، مارلیک، کلوزر گیلان، کلاردشت مازندران، و آذربایجان (دوره آهن II) ۲۵۵

۲۸۸	سفالگری و کوره‌های پخت سفال.....
۲۸۸	پدیدهٔ سفال خاکستری - سیاه.....
۲۹۰	پیشینه سفالگری در تهران و ری.....
۲۹۱	موضع‌نگاری (توپوگرافی) تپه‌های کهریزک.....
۲۹۴	ترکیبات فیزیکی و شیمیایی خاک رس.....
۲۹۶	طبقه‌بندی گل رس.....
۲۹۶	تولید سفالینه‌های خاکستری - سیاه و قرمز رنگ.....
۲۹۸	تکنیک و روش شکل دادن به سفالینه‌ها.....
۳۰۰	طرح معماری کوره‌های سفال خاکستری - سیاه.....
۳۰۹	ساختمان و تحول و سوخت کوره‌ها به اجمال.....
۳۱۸	منابع فصل چهارم.....
۳۲۳	۵. معماری گورها در فرهنگ سفال خاکستری - سیاه (دوره آهن I و آهن II).....
۳۲۳	حوزه شمال شرقی فلات مرکزی ایران.....
۳۲۶	معماری گورهای دورهٔ کلان سنگی در دژه‌ها و کوهستان‌های البرز و زاگرس.....
۳۳۰	معماری قبور بزرگ سنگی املش و مارلیک گیلان.....
۳۳۴	توزیع توپوگرافیک (موضع‌نگاری) میدان‌های باستانی کوهپایه‌های گیلان شرقی.....
۳۳۷	موقعیت توپوگرافیک و گورستان‌های کوهپایه‌های گیلان شرقی.....
۳۴۰	معماری گورهای لانه زنبوری در پیرکوه (املش).....
۳۴۳	منابع فصل پنجم.....
۳۴۵	۶. سفال دوران ایلام میانی و جدید (۱۵۰۰ تا ۶۴۰ قبل از میلاد).....
۳۴۹	طبقه‌بندی سفال ایلام میانی (چغازنبیل).....
۳۵۰	سفال لعابدار و بدل چینی در ایلام میانی.....
۳۵۱	ظروف بدل چینی و لعابدار سده‌های هشتم و هفتم قبل از میلاد (ایلام جدید).....
۳۵۴	سفال ساده و لعابدار و چند رنگ ماد و مانتایی (آذربایجان و کردستان).....
۳۵۶	سفال حسنلو IV و III، زیویه و گودین تپه I و II.....
۳۷۳	منابع فصل ششم.....
۳۷۷	۷. دوران تاریخی.....
۳۷۷	سفالینه‌ها و کاشی‌های لعابدار دوره هخامنشی.....
۳۹۲	سفال در دوره اشکانیان (۲۵۰ ق. م تا ۲۲۴ میلادی).....
۴۰۲	مشخصهٔ سفالینه‌های دورهٔ اشکانیان.....

۴۳۰	سفال دوره ساسانی و سیر تحول و ترکیبات آن
۴۴۵	منابع فصل هفتم
۴۴۹	۸. سفال و سفالگری دوران اسلامی
۴۵۵	لعاب سفال‌های دوره اسلامی
۴۵۷	تکنیک لعاب و نقش در سفالینه‌های دوران اسلامی
۴۵۷	الف) لعاب سبز و آبی در سفال‌های اولیه دوران اسلامی
۴۵۷	ب) نقش افزوده، کنده و قالب خورده
۴۵۸	ج) لعاب سربی یک‌رنگ یا نقوش کنده
۴۵۸	د) لعاب سربی و چند رنگ پاشیده با نقوش کنده (اسگرافیاتو)
۴۶۰	ه) لعاب قلعی و نقاشی قرمز - قهوه‌ای و زرد (زرین فام)
۴۶۰	و) نقاشی و نوشته‌های کوفی روی زمینه سفید، سمرقند و نیشابور (سفال نوع سامانی)
۴۶۱	ز) سفال لایه برداری شده و محکوک - اسگرافیاتو (شانلوه) نوع گیری
۴۶۱	ح) سفال کنده و حکاکی شده (اسگرافیاتو) - لکایی
۴۶۳	ط) تزیینات و نقاشی روی لعاب
۴۶۸	ی) تولید ظروف حاکی ماورا و مشبک
۴۶۸	ک) لعابکاری لاجوردینه و ترصیع طلا
۴۶۹	ل) تزیینات و نقاشی زیر لعاب
۴۶۹	م) سفال قالب خورده سلجوقی
۴۷۰	ن) سفال دوره مغولی و ایلخانی (سده‌های هفتم و هشتم هجری)
۴۷۲	س) سفال و کاشی در دوره تیموری (سده نهم هجری)
۴۷۲	ع) سفال دوره صفوی (سده‌های دهم تا دوازدهم هجری)
۴۷۴	کاوش و پژوهش روی کوره‌های سفالگری دوره سلجوقی در نیشابور
۴۸۰	حفاری در کوره‌های سفالیزی سوم در اراضی لک‌لک آشیان
۴۸۲	دسته‌بندی سفال‌های دوره سلجوقی کشف شده از کوره‌های سوم و چهارم
۴۸۴	قالب‌های سفالین تزیینی کشف شده از کوره‌های سوم و چهارم
۴۸۹	سفال و سفالگری بعد از صفویه تا دوران معاصر
۴۹۴	احیای هنر سفال‌های لعابدار چینی و کاشی
۵۰۹	منابع فصل هشتم
۵۱۲	توضیح تصاویر رنگی
۵۳۷	تصاویر رنگی
۵۷۷	نمایه

خلق الانسان من صلصال كالفخار «خداوند انسان را از گل کوزه‌گری آفرید»

مقدمه

سفال یکی از خلاقیت‌های ماندگار انسان از دوره‌های نوسنگی و ماقبل تاریخ است. سفال باستانی امروزه به صورت زوائد و زباله از ویرانه‌های مدفون یا گورهای جوامع کهن به دست می‌آید. هیچ یک از مصنوعات و ساخته‌های فکر و اندیشه انسان از نظر ارزشی و فراوانی مواد اولیه در طبیعت به پای سفال نمی‌رسد. از طرف دیگر هیچ ماده‌ی مصنوع دیگری مانند سفال در طبیعت وجود ندارد که طی هزاران سال در زیر خاک بدون تلاشی و فساد باقی بماند. اگر سفال از خاک رس مرغوب و گل کاملاً ورز داده شده و ترشیده و تخلیه شده از هوا، شکل گرفته و در درجه حرارت مطلوب پخته شده باشد، هرگز فاسد و متلاشی نخواهد شد، ولی در روی زمین و طی گذشت اعصار و زمان‌های طولانی، زیر باران و برف و تابش و اشعه خورشید و سایر عوامل جوی، مانند دیگر پدیده‌های طبیعی هوازده و ساییده خواهد شد. اگر سفال دارای نقش، لعاب یا اندودی اضافی (اسلیپ) روی پوسته باشد، این اضافات خیلی زودتر از هسته و خمیره فرسوده و گسیخته خواهند گردید.

کشف سفال و مانده‌های گل پخته جوامع باستانی عملاً از قرن نوزدهم آغاز شد، ولی علم و آگاهی و تشخیص قدمت و زمان ساخت و تولید فعال و به تبع آن شناخت جوامع تولیدکننده سفال طی یکصد سال اخیر وارد مباحث علمی باستان‌شناسی گردیده است. هنگامی که سفال در دوره‌های باستانی کشف شد، ابتدا موارد مفید و کاربردی آن مد نظر بود. در مسیر تشکیل روستاهای اولیه‌ای که با گذر انسان از دوران جمع‌آوری غذا به تولید غذا، روی آوردند، نیاز به ابزارهایی برای ذخیره غذای اضافی به وجود آمد. برای این منظور

از سفال به صورت کندو، کپ، خمره و کوزه که معمولاً در زمین کار می‌گذاشتند، استفاده می‌شد. وقتی هم که سفال به صورت بوم نقاشی وارد مقوله هنر شد، موارد کاربرد آن ثبت پیام‌ها، خواسته‌ها، نیازها، دادن اطلاعات و در حقیقت انتقال اندیشه بود. مجموعه نمادهایی که قبل از پیدایش خط روی سفالینه‌ها نقش می‌شد، در معاملات پایاپای و در بین جوامع حرکت می‌کرد و دست به دست می‌گشت. در این بده بستان‌ها، ساکنان روستاهای دور و نزدیک از موقعیت‌های صنعتی، دامداری، کشاورزی، عاطفی یکدیگر اطلاع و آگاهی پیدا می‌کردند و در موارد نیاز، رابطه‌ها را توسعه می‌دادند. سفال از بدو پیدایش خود مراحل طی کرده است. در این نوشته مراحل تکوینی آن از قبیل سستی، سختی، نقش و بی‌نقشی سفال مورد بررسی و بحث قرار گرفته و بر این اساس، سفال و سفالگری در فلات مرکزی ایران از آغاز نوسنگی تا دوران معاصر طی هشت فصل مجزا تدوین گردیده است.

در فصل اول، چگونگی پیدایش نخستین سفال‌های ابتدایی، بررسی، و تحول آن در جوامع روستایی کوچک پیگیری شده است. هسته‌های اولیه این جوامع با گذر از دوران جمع‌آوری غذا به اهلی کردن جانوران و نباتات پرداختند و به تدریج اولین روستاهای کوچک را پدید آوردند و به کار کشاورزی و تولید غذا دست زدند. تولید غذا موجبات ذخیره‌سازی غذا را فراهم آورد. این امر به وسایل و ابزارهای نیاز داشت و سفال یکی از این ابزارها محسوب می‌شد. بدیهی است که این جوامع از ابتدا به سفال دست نیافتند، بلکه دوره‌هایی را سپری کردند و پشت‌سر گذاشتند. هسته‌های اولیه روستاها گسترش یافتند تا بالاخره در یکی از این هسته‌ها سفال خشن ابتدایی تولید شد. برای مثال، در لایه‌های اولیه دهلران، بزمرده در علی‌کش، چغا بنوت، چغا سفید، آسیاب و گنج‌دره در کرمانشاه، گوران در درّه هلیلان لرستان جوامع روستایی کوچکی بودند که دوران‌های بدون سفال را سپری کردند و در مراحل بعدی استقرار، به سفال دست یافتند. این دوره دستیابی و فترت، شاید حدود دو هزار سال در نقاط مختلف طول کشیده است. در این دوران، بنیاد دهکده‌ها تنها با چند خانوار و خانه‌هایی که به صورت گودال‌ها و چاله‌هایی بود با پوشش شاخه درختان و اندود گل شکل گرفتند. خانه‌ها، محوطه‌هایی مدور یا چهارگوشه با اتاق‌هایی به ابعاد بسیار کوچک و کندویی شکل بودند. با این که روستاهای آسیاب و گنج‌دره نزدیک و در همسایگی یکدیگر قرار داشتند، ولی طرح اولیه خانه‌ها و روستا در این دو میدان باستانی همسایه مشابه هم نبوده است؛ در تپه آسیاب، خانه‌ها مدور و در گنج‌دره چهارگوشه با زوایای مالیده گزارش شده است.

پدیده سفال وقتی که پس از تشکیل روستاهای اولیه به مرحله تولید اندک و انفرادی رسید، کالایی خشن و آمیخته با کاه و پوک بود که در آفتاب یا اجاق خانه نیم پخته شده بود. در لایه E گنج‌دزّه یک تکه سفال ساده خشن و در لایه D سفال‌های زیادتری به دست آمده است؛ از جمله خمیره‌هایی برای ذخیره‌سازی آب و غذا که در زمین و پای دیوار خانه‌ها نشانده شده، و با این که در آفتاب نیم پخته شده بودند، گنجایش صد تا دویست لیتر آب را داشتند. اولین تکه سفال در لایه نئولیتیک غار بیستون گزارش شده، و در غار هوتو و کمر بند بهشهر نیز نخستین تکه سفال‌های سست و پوک به دست آمده که پدیده‌ای از اولین سفال‌ها بوده است. سفال این روستاها و پناهگاه‌های اولیه دوره نوسنگی که مقدمات تولید اولین سفال‌ها را فراهم آورده‌اند (مانند آسیاب، گنج‌دره و گوران)، به موجب آزمایش‌ها و ارقام رادیوکربن حدوداً ۸۶۵۰ تا ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد قدمت داشته‌اند. دهکده‌های نوسنگی محمدجعفر، چغا سفید، چغا سرخ دهلران، چغا بنوت دشت خوزستان، در همین زمان‌ها سفال را تولید کرده‌اند. بدون آن که بتوان تصویری از تکه سفال‌های خشن و اولیه‌ای که طی بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی از این میادین کشف گردیده و اینک در آرشیو مؤسسات شرق‌شناسی غرب جای گرفته‌اند، ارائه داد و مدارک را در اثبات ادعا مستند نمود، می‌توان اظهار داشت که مشخصه خمیره این نوع سفال‌ها خشونت فراوان، نرمی و پوکی فوق‌العاده و اختلاط بسیار با کاه، خرده علف و شن است. این سفال‌ها در آفتاب یا اجاق خانه‌ها نیم‌پخته گردیده و فاقد هرگونه نقش و طرحی بوده‌اند.

در ادامه دوره نوسنگی روستاهای سراب، تپه سنگ چخماق شاهرود و تپه سیلک کاشان، قلعه رستم بختیاری و زاغه دشت قزوین و چشمه علی ری به تولید سفال پرداختند. سفال‌های اولیه این میادین بدون نقش، خشن و به رنگ خاکستری و قرمز سوخته و آمیخته با کاه و مواد آلی بوده و در اجاق خانه نیم پخته شده‌اند. پس از این تجربه‌های نخستین پخت و پز سفال خانگی در این روستاهای دوره نوسنگی جدیدتر، سفالگران به تدریج اجاق پخت سفال را بیرون از خانه و در فضای باز احداث کردند. اساس این اندیشه، هدف دستیابی به تولید انبوه سفال بوده است. در این راستا ابتدا اجاق‌های بزرگ‌تری به صورت چهار گوشه و در فضای باز ساختند و سفالینه‌ها را در این اجاق‌ها که به ابعاد 200×200 سانتیمتر و کف آن‌ها همسطح زمین اطراف بود می‌چیدند و روی آن را با گِردِه‌های تاپاله به صورت هلالی می‌پوشاندند و آتش می‌زدند. در نتیجه تماس مستقیم زبانه‌های آتش سرکش با سفال‌ها، بعضی گداخته و برخی نیم پخته و کربونیزه باقی می‌ماندند. سرانجام این تولیدات انبوه،

محصولاتی ناقص با ضایعات فراوان بود. با این حال، به تدریج و با همین وضع سفالینه‌ها را به نقش‌های هندسی ساده می‌آراستند و در بیش‌تر مواقع پوسته سفال را با دوغاب غلیظی از رس اندود می‌کردند. طرح‌هایی مشابه اجاق‌های چهارگوشه فضای باز که در بالا ذکر شد با عنوان «کوره سفال» و نه اجاق فضای باز در لایه II تپه قبرستان دشت قزوین و جعفرآباد شوشان I و نیز سیلک I گزارش شده است.

در دوره‌های بعدی، سفالگران رفته رفته با افزایش تجربه موفق به تکمیل کوره‌ها شده، اتاق پخت سفال را از چال آتش جدا کردند و با لگدکوب کردن و مشت زدن و ورز دادن گل، تمام حباب‌های هوا را از چانه گل خارج و آن را آماده شکل‌پذیری بیش‌تر کردند. پس از شکل دادن و خشک شدن سفال را بطانه‌کاری کردند و با دوغاب رقیقی از رس روی آن را به پوشش نازکی (اسلیپ) اندود کردند. علاوه بر آن سطوح مختلف سفال را به نقش‌ها و خطوط هندسی آراستند و به تدریج این نقش‌ها را به تصاویر جانوری و گیاهی مسبک تبدیل کرده، سفال را متحول نمودند.

بازهم گذشت زمان و اندوختن تجربه باعث شد که کوره سفالپزی کامل‌تر شود و به صورت دو طبقه شکل گیرد. چال آتش و مخزن سوخت آن در جهت باد موافق قرار گرفت و سکوی مشبک و جایگاه سفالینه‌ها به صورت سقفی بر بالای چاله آتش تعبیه شد. در هر نوبت پخت سفال، سقفی موقت بر روی این سکوزده می‌شد و در بالاترین نقطه این سقف منافذی برای خروج دود و گازهای حاصله ایجاد شده بود و در پایان هر بار پخت سفال، بخشی از این سقف گنبدی را خراب و سفالینه‌ها را خارج می‌کردند. از کوره‌های سفالپزی ابتدایی در دوره نوسنگی یاریم تپه I در گرگان و حسونای عراق طرحی در دست است و طرح و گزارش‌هایی نیز از اجاق‌های اولیه پخت سفال در فضای باز از میدان باستانی سیلک I و II کاشان، تپه قبرستان II (هزاره چهارم ق.م) و جعفرآباد شوش در دوره شوشان I وجود دارد. بر همین سیاق گزارشی از کوره‌های چغامیش در دوره شوشان میانی و نیز آغاز ادبیات، باکون الف، شوش II، و همین‌طور از تل ابلیس بردسیر کرمان و رود بیابان سیستان از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد باقی مانده که طرح و گزارش آن‌ها در متن آمده است. موضوع قابل ذکر در این‌جا آن است که در ابتدای هزاره چهارم قبل از میلاد، سفالینه‌های نخودی رنگ منقوش جای سفال اخراپی منقوش را می‌گیرد و در قبرستان دوره II محصولاتی مشابه سیلک III^{۴-۵} و شوش II و باکون A، از نظر خمیر، پوسته و نقش تولید می‌شود. طی بررسی‌های انجام شده توسط نویسنده، یک دوره سفال نخودی رنگ منقوش در حد فاصل

این میدان‌ها در لایه فوقانی اسماعیل‌آباد موشه‌لان در تپه ایقربولاغ واقع در ۵۰۰ متری آن کشف شده که در متن با مدارک مثبته راجع به آن بحث شده است.

فصل دوم مجموعه به سفال آغاز دوران شهرنشینی و ظهور و پیدایش خط اختصاص داده شده است. در این دوره بین‌النهرین وارد عصر تاریخی شد و تکوین سفال بر اثر فرهنگ‌های جنوب غربی و ماورای آن وارد مراحل جدیدی گردید. طبقات باستانی خوزستان و دشت شوشان به تبع دستیابی به خط وارد عصر تاریخی و شهرنشینی شد و تولید سفال با لبه واریخته تقریباً بیش‌تر میادین باستانی فلات ایران از جمله کرمان، سیستان، دشت قزوین، سیلک کاشان، کنگاور و فارس را فراگرفت.

نفوذ و گسترش سفال ایلامی در میادین باستانی فلات ایران مانند شهر سوخته سیستان، تل ملیان فارس و تپه یحیی کرمان از اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد ادامه می‌یابد و در دو میدان اخیر، پیدایش الواح و خطوط نیمه تصویری و ایلام میانی نشانه این است که روابط نزدیک و مستمری با شوش و ایلام در زمینه‌های بازرگانی و فرهنگی وجود داشته، و این میادین وارد عصر ادبیات و شهرنشینی شده بودند. در پایان این فصل موضوع سفال خاکستری - سیاه حصار دامغان و دشت گرگان در عصر برنز طی هزاره سوم به بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل سوم به پدیده سفال خاکستری - سیاه اختصاص دارد که به عنوان کالای صنعتی کاملاً جدیدی جای سفال منقوش را گرفت و توسط مردمی مهاجر و دامدار وارد عرصه فرهنگ و هنر در شمال شرقی و شمال غربی و مرکز فلات ایران شد. طبقه‌بندی و تحول این پدیده فرهنگی و نحوه ساخت سفال خاکستری از هزاره دوم تا نیمه هزاره اول قبل از میلاد بررسی و معرفی شده است. چون نگارنده کاوش و پژوهش این پدیده را در چند میدان باستانی معتبر از سال‌های ۱۳۴۰ به بعد به ترتیب در املش، مارلیک، تپه‌های قیطره و کهریزک به انجام رسانیده است، چگونگی حرکت و گسترش و تحول آن را در دیگر میدان‌های باستانی بررسی و تعقیب کرده، بیش‌ترین تأکید خود را در این مجموعه بر معرفی و توصیف ترکیب و اندام سفالینه‌ها و موارد کاربردی و تکنیکی آن‌ها نهاده است. با این هدف بعضی از تصاویر و نیمرخ سفالینه‌های قیطره، جداگانه و به تفکیک طرح شده و سفال‌های مشابه در هر یک از میدان‌های باستانی این پدیده به ترتیب در مقام مقایسه با آثار سفالین قیطره به عنوان شاخص قرار گرفته‌اند. بر کوره‌های سفالگری کهریزک نیز به عنوان مدارک مستندی در زمینه تولید و تکنولوژی سفال این پدیده تأکید شده است. تپه‌های

قیطریه بزرگ‌ترین و معتبرترین میدان استقرار سفال خاکستری رنگ دوره آهن I بوده است. دامدارانی که این استقرار را بنیاد نهادند، از طریق شمال شرقی و غربی وارد فلات مرکزی ایران شدند و علاوه بر قیطریه، کوهپایه‌ها و کنار چشمه‌ها را برای زندگی و دامداری انتخاب کردند. تازه‌واردان گورهای اموات خود را کمی دورتر از محل استقرار، در زمین و خاک بکر به صورت گودالی بیضی شکل حفر می‌کردند و سفالینه‌ها و ابزارآلات برنزی و زندگی را کنار مردگان خود می‌نهادند.

سفال خاکستری - سیاه علاوه بر گورستان قیطریه، از گورستان‌های دیگری از جمله دزوس، پل رومی، تپه‌های عباس‌آباد، سلطنت‌آباد، گلندوک، بوستان پنجم پاسداران، خوجیر تهران پارس، قلحک و تپه معمورین (فرودگاه در دست احداث) تهران نیز کشف شده است. گورستان‌های این پدیده روی تعدادی از میادین و پایگاه‌های کهن سفال منقوش فلات مرکزی ایران مانند سیلک کاشان، گیان نهاوند، گودین تپه کنگاور، گوی تپه و حسنلوی آذربایجان نیز کنده شده است.

در پیشوای ورامین، خوروی و ایوانکی، مانند قیطریه و سایر میادین حوزه تهران پایگاه‌های بکری انتخاب شده است. گورستان‌های مناطق اخیرالذکر دارای هیچ لایه و قشر قدیم‌تری نیستند. موضوع تازه و بدیعی که حائز کمال اهمیت است، وجود و همراهی سفالگران این پدیده فرهنگی در این جابجایی و مهاجرت بوده است. سفالگران دامدار یا دامداران سفالگر در این حرکت و مهاجرت دسته‌جمعی، تپه‌های کهریزک را که معدن شناخته شده و معتبری از خاک رس آبرفتی و انباشته شده از عهد چهارم زمین‌شناسی بوده است انتخاب کردند و کنار مسیل سرتخت کهریزک بساط زندگی را گسترده، به حرفه کوزه‌گری پرداخته‌اند. این استقرار و اشتغال در دو سوی مسیل مذکور که زیر دیوار بهشت زهرا قرار دارد گسترده شده است؛ به این ترتیب که در طرف چپ و غرب مسیل چادرها و آلاچیق‌ها را علم کرده و در سوی دیگر و در بطن زمین، چاله کوره‌ها را حفر کرده و با برداشت از خاک رس مرغوب حاشیه مسیل و ورز دادن گل به ساخت و تولید انبوه سفال خاکستری - سیاه پرداخته‌اند. بیش از پانصد کوره سفالپزی در مساحت شش هکتار از این تپه‌ها توزیع شده است که این کاوشگر تنها روی پانزده کوره سفالگری کاوش و بررسی را به انجام رسانید.

در فصل چهارم به دومین دوره و مرحله شهرنشینی در ایران، ساختمان دژ و کهندژ، به‌عنوان هسته مرکزی شهر توجه شده است. به دنبال ورود دارندگان سفال‌های خاکستری -

سیاه اولیه در دوره آهن I، دامداری که کشاورز و جنگجو و نیز مهاجران ثروتمندی به حساب می‌آمدند و دارای گورهای چهار چینه سنگی (کلان سنگی) بودند، در عصر آهن II وارد کوهپایه‌های شمال و شمال غربی فلات مرکزی ایران شدند. این تازه‌واردان نیز دارای سفالینه‌های خاکستری مشابه و یکسان با سفالینه‌های قیطره و نیز سفال‌های پرتکلف دیگری به رنگ قرمز و قهوه‌ای روشن و درخشان از اندام پیکره‌های متنوع و مهاجم حیوانات و انسان بودند. ضمن آن که ظروف طلا و مفرغ فراوانی به همراه داشتند که مشحون از صحنه‌های اساطیری بود و این ثروت عظیم را به نسبت درجات و اعتبار افراد و مردگان، در کنار اجساد آنان در گورها می‌نهادند. از راه شناسایی کاربرد این اشیای گورستانی می‌توان پنداشت که گورخفتگان، دامداران و کشاورزانی بوده‌اند که نسبت به سایر مهاجران سمت سروری داشته‌اند. این میراث و گنجینه‌های گرانقدر از گورستان‌های مارلیک، املش، کلوزر، کلاردشت، اردبیل، مشکین شهر و حسنلوی دوره IV کشف شده‌اند، تعدادی از آن‌ها از طریق کاوش‌های علمی و بیش‌تر با حفاریات غیرمجاز راهی موزه‌ها و بنیادهای هنری دنیای غرب شده‌اند. نگارنده به جهت اشتغال مستمر چند ساله در میدان‌های باستانی املش، مارلیک، اردبیل و مشکین شهر، در تعدادی از پایگاه‌ها کاوش کرده و با آثار دوران مگالیتیک (بزرگ سنگی) مذکور آشنایی نسبی یافته است. بنابر این در معرفی سفالینه‌های مجلل این دوره نیز توجه بیش‌تری را مد نظر قرار داده است.

فصل پنجم به معماری گورها در فرهنگ سفال خاکستری - سیاه و منقوش دوره‌های آهن I و II اختصاص دارد.

از ۱۰۰۰ تا ۹۰۰ قبل از میلاد، گروه دیگری از مهاجران که دارای اسب، اژدها، اسلحه‌های سهمگین آهنی و نیزه‌های دوشاخه بودند با میراثی مشترک و مجموعه‌ای از سفال‌های خاکستری - سیاه و نخودی درخشان و منقوش به نقش اسب، گاو، بزهای بالدار و سایر حیوانات اسطوره‌ای، خورشید و انسان‌های شکارچی و مهاجم از طریق شمال غربی و حواشی دریاچه اورمیه وارد فلات مرکزی شدند. آثار این تازه‌واردان در باباجان کرمانشاه، گودین تپه کنگاور، نوشیجان ملایر و نیز بر بالاترین نقطه تپه جنوبی سیلک بر جای مانده است. برای خود قلعه و ارگی بنا کردند و در بیرون قلعه با سنگ‌ها و سفال‌های پخته گورستانی را با پوشش خرپشته و سقف دو شیبه بنا نهادند و به همراه مردگان خود اشیای بسیاری را دفن کردند. با ورود این مهاجمان که قلعه‌ساز و دارای معماری مسکن بودند، به یکباره تمام میدان‌های باستانی سفال خاکستری - سیاه دوره آهن I در حوزه تهران، ری،

پیشوای ورامین، خوروین، سیلک الف، گیان I، گودین II، مارلیک و کلوزر بدون استثنا منسوخ گردید و مردم آن تحت این فشار سهمگین به کوهستان‌ها و پناهگاه‌های بالای ۱۵۰۰ متر ارتفاع در دره‌ها و کوه‌های گیلان، مازندران، آذربایجان و رشته کوه زاگرس کوچ کردند و در آن مناطق پناه گرفته به ادامه زندگی و فرهنگ خود پرداختند.

در فصل ششم، سفال و کاشی در دوران ایلام میانی و جدید بررسی و معرفی شده است: در خوزستان، سفالسازی ایلام از زمان تشکیل سلسله‌ها بدون وقفه ادامه یافت و تنها در جنگ و ستیز با سلسله‌های بین‌النهرین دچار اختلال و تحول گردید. آثار بسیاری از سفالینه‌های لعابدار دوره طلایی ایلام میانی (۱۲۵۰ قبل از میلاد) که در شوش، هفت تپه و چغازنبیل یافت شده نشان می‌دهد که تا انقراض ایلام نو در سده هفتم قبل از میلاد، ظروف لعابدار و رنگین ساخته می‌شده است و در دوران ماد و مانیایی (که تجلی آن در برخی از سفال‌های حسنلو IV و III مشاهده شده) در زیویه به کمال خود می‌رسد. سفال‌ها و کاشی‌های چند رنگ فوق‌العاده‌ای از این دوره هم در زیویه و هم در بوکان یافت شده است که معرفی خواهند گردید.

فصل هفتم به ادوار تاریخی ایران اختصاص دارد که دوران‌های هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی را شامل می‌شود.

سفال دوران تاریخی ایران با آغاز سلسله هخامنشی و توجه به هنرهای تألیفی و شاهانه راه رکود را پیمود و ظروف زرین و سیمین جای آن را اشغال کرد. با این حال در دوره هخامنشی سفال ساده و لعابدار و نیز کاشی هفت رنگ با روش‌های یاد شده در ماد و مانیایی و ایلام نو تولید شده‌اند. در سرزمین ایران از دوره اشکانی آثار اندکی بر جای مانده است. نویسنده طی کاوشی در گورخمره‌های گرمی مغان، بیش‌ترین آثار سفالین را از این گورخمره‌ها به دست آورده است. این سفالینه‌ها اغلب در ترکیب و اندام حیوانات اهلی ساخته شده و عموماً از ابریق‌ها و ریتون‌هایی به اشکال مختلف تشکیل شده‌اند. وجود آثار مذکور به عنوان مجموعه‌ای کشف شده از این سرزمین دارای اهمیت زیادی است و نگارنده در سال ۱۳۴۴ در چندین میدان دوران اشکانی در گرمی مغان کاوش‌های سه‌ماهه‌ای را به انجام رسانید. قبل از انجام این حفاریات، بیش‌تر سفالینه‌ها به صورت غیرمجاز از این مناطق به موزه‌های بین‌المللی راه یافته بودند و در دوره ماقبل تاریخ طبقه‌بندی شده بودند. با نتایج این کاوش‌ها معلوم گردید که حیوانات سفالین و بیش‌تر آثار گرمی به اشکانیان تعلق دارند. بنابر این به سفال‌های مکشوفه گرمی مغان نیز تأکید شده است. در دوره ساسانی

سفال لعابدار سبز رواج پیدا کرد. ضمن آن که برخی از سفال‌های معمولی به صورت قالب خورده، نقش افزوده و نقش درهم‌کنده نیز متداول بود. سفالگری ساسانی در دوره اسلامی بازسازی شد و از لعاب و کاشی و سفال و ظروف فلزی زرین و سیمین، هنر سفالگری فاخر و مجلل دوره اسلامی متولد گردید.

فصل هشتم مجموعه به گاهنگاری و طبقه‌بندی سفال در دوره اسلامی اختصاص دارد. در ابتدای دوره اسلامی، سفالینه‌های لعابدار و بدون لعاب و قالب خورده و نقش افزوده اواخر دوره ساسانی مورد اعتنا و تقلید قرار می‌گرفت. دین اسلام زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مناسبی برای بازسازی و احیای هنر سفالگری فراهم آورد. از تلفیق ظروف زرین و سیمین مجلل و درباری دوران‌های تاریخی ایران و سفالسازی بیزانس و سامره و چین، صنعت ساخت و تولید سفال دوره اسلامی متحول شد. کاربردهای درباری سفال مجلل و تولید جام‌های زرین و سیمین رنگ باخت و سفالگری متعالی جای آن را گرفت و از راه رخنه متقابل در بین اقشار مردم، این صنعت بارور شد. سفال در راه رسیدن به ارزش‌های معنوی و پرهیز از ساختارهای مادی در تکاپوی کیمیاگری و تبدیل فلز کم‌بها به زر ناب گام برمی‌داشت. لعاب زرین فام و ترکیبات مینایی در جهت ایجاد زیبایی و عرضه جمال در صورت و ترکیب سفال و نقش و رنگ آن در تکاپوی دستیابی به جلوه‌های کمال آسمانی و خدایی پیش رفت و متعالی شد. حفریات نیشابور که در سال‌های ۱۳۱۸ شمسی به وسیله موزه متروپولیتن نیویورک به عمل آمد، با اندکی تأخیر تا اندازه‌ای از تاریکی‌های هنر و صنعت سفالسازی اسلامی کاست و طبقه‌بندی سفالینه‌های دوره اسلامی وارد مرحله جدیدی شد.

حفریات سال ۱۳۴۳ نگارنده این سطور در نیشابور نیز که روی کوره‌های سفالگری انجام پذیرفت، برای اولین بار ساخت و پخت سفالینه‌های لعابدار و فاخر دوره سلجوقی و نیز سفالینه‌های قالب خورده و نقش افزوده این برهه را آشکار ساخت. برخی از ابزار و آلات پخت سفال‌های زرین فام و مینایی و نوع سوخت و تکنیک و معماری کوره‌های پخت سفال نیز شناسایی و معرفی شد و از این طریق آثار سفالین لعابدار بسیاری وارد بخش اسلامی موزه ایران باستان گردید. بالاخره در مرحله پایانی نیز آثار سفالین دوره اسلامی و کوره‌های پخت و تکنولوژی سفال و سفالگری ادوار اسلامی با تصاویر و طرح‌های معماری معرفی شده است.